

هو العليم

فضیلت زیارت قبر امام حسین علیه السّلام از منظر  
مرحوم علامه طهرانی

آیه الله حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی

اربعین در فرهنگ شیعه

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

یکی از شعائر مختصّ شیعه که در هیچ مکتب و ملّتی نظیر و مشابهی برای او نمی‌توان یافت مسأله اربعین حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السّلام است و این از اختصاصات فرهنگ تشیع است. زیارت مخصوصه آن حضرت در روز اربعین شعار مخصوص شیعه است، و برای هیچ فردی از سایر معصومین علیهم السّلام حتّی برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم این مسأله وجود ندارد. زیارت حضرت سید الشهداء علیه السّلام در روز اربعین و اقامه مجلس عزا برای آن حضرت فقط و فقط اختصاص به ایشان دارد و از مختصّات شیعه می‌باشد که امام حسن عسگری علیه السّلام آن را به عنوان شعار و علامت شیعه بیان فرموده اند؛ چنانچه سر بر خاک گذاردن، و بسم الله را بلند گفتن، و نوافل را طبق دستور ائمه معصومین علیهم السّلام بجای آوردن، و انگشتر در دست راست نمودن نیز از اختصاصات شیعه است. ذیلاً روایاتی در باب زیارت قبر شریف امام حسین علیه السلام که مرحوم

علامه حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی رحمة الله عليه در جلد شانزدهم کتاب شریف امام شناسی آورده از منظر شریف خوانندگان می گذرد.

در کتاب «الفردوس الاعلی» از دیلمی روایت است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: موسی ابن عمران از پروردگارش مسألت نمود تا زیارت قبر حسین بن علی علیهما السلام را بنماید و با معیت هفتاد هزار ملائکه زیارت قبرش را کرد.

و أبان بن تغلب از امام صادق علیه السلام روایت می کند که حضرت گفت: وَ كَلَّ اللَّهُ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكًا شُعْتًا غُبْرًا يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. فَمَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ شَيْعُوهُ حَتَّى يَبْلُغُوهُ مَأْمَنَهُ، وَإِنْ مَرَضَ عَادُوهُ غَدْوَةً وَعَشِيًّا، وَإِذَا مَاتَ شَهِدُوا جَنَازَتَهُ وَاسْتَغْفَرُوا لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. «خداوند در اطراف قبر حسین علیه السلام چهار هزار فرشته گماشته است که همگی با موهای ژولیده و پریشان و با صورت های خاک آلوده بر وی تا روز قیامت می گریند. پس کسی که او را با معرفت به حَقِّش

زیارت کند او را بدرقه می‌کند تا به مأمنش برسانند و اگر مریض گردد وی را هر صبح و شب عیادت کنند، و اگر بمیرد جنازه‌اش را تشییع کنند و برای او از خداوند طلب غفران نمایند تا روز قیامت.»

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مروی است که فرمود: **مُرُوا شِيعَتَنَا بِزِيَارَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ فَإِنَّ زِيَارَتَهُ تَدْفَعُ الْهَدْمَ وَالْحَرْقَ وَالْغُرُقَ وَ أَكْلَ السَّبْعِ، وَ زِيَارَتَهُ مَفْتَرِضَةٌ عَلَى مَنْ أَقْرَبَ بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ.**

«شیعیان ما را امر کنید به زیارت حسین علیه السلام زیرا زیارتش انسان را از آوار بر سر فرود آمدن، و از آتش سوزی، و غرق شدن، و طعمه درندگان گردیدن حفظ می‌نماید و زیارت او از جانب خدا واجب شده است بر کسی که اقرار به امامت او داشته باشد.»

اسحاق بن عمّار روایت نموده است که: امام صادق علیه السلام فرموده اند: **مَا بَيْنَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ مُخْتَلَفٌ الْمَلَائِكَةِ.** «ما بین قبر امام حسین علیه السلام تا هفتمین آسمان محل رفت و برگشت فرشتگان است.»

از حضرت امام کاظم علیه السلام وارد است: مَنْ  
زار قبر الحسين عليه السلام عارِفاً بحَقِّه غَفَرَ اللهُ له ما  
تقدَّم من ذنبه و ما تأخَّر. «هر کس با حقّ معرفت،  
حسین را زیارت کند گناهان گذشته و آینده او  
آمرزیده می شود.»

و از حضرت امام صادق علیه السلام روایت  
است: روزی حسین - صلوات الله علیه - در دامان  
پیامبر نشست و پیامبر با او بازی می کرد و وی را  
خنده می انداخت. عائشه گفت: چقدر سُرورت از  
این پسر بچه زیاد است؟!

پیامبر فرمود: وای بر تو چگونه این طور نباشد با  
وجود آنکه او میوه دل من و موجب تر و تازگی  
چشم من می باشد؟! آگاه باش: امت من او را خواهند  
کشت. پس کسی که او را بعد از شهادتش زیارت  
کند، خداوند برای او یک حج از حجّ های مرا می  
نویسد.

عائشه گفت: یا رسول الله یک حج از حجّ های  
شما؟! فرمود: آری دو حج از حجّ های من.  
عائشه گفت: دو حج از حجّ های شما؟! فرمود:

آری سه حج. و به همین ترتیب پیوسته عائشه زیاد می نمود و پیامبر بالا می برد و مضاعف می گردانید تا به هفتاد حج از حج های پیامبر بالغ شد با عمره هائی که با آن حج ها پیامبر بجای آورده است.<sup>۱</sup>

و در رساله «مقنعه» و مزار کلینی با اسنادش از امام رضا علیه السلام روایت است که: **من زار قبر أبي عبدالله عليه السلام بشطّ الفرات كان كمن زار الله فوق عرشه.** «هر کس قبر ابا عبدالله علیه السلام را در شطّ فرات زیارت نماید همچنان است که خداوند را در بالای عرش او زیارت کرده است.»

**رقعه هائی که از آسمان به زمین می آید برای**

**امان زائر ابا عبدالله علیه السلام**

همچنین مرحوم علامه طهرانی رضوان الله علیه در جلد دوم کتاب انوار الملکوت می نویسد: روایات در ثواب زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام زیاده از حدّ احصاء است؛ لیکن در اینجا یک حکایت لطیفی را از مرحوم شیخ محمد بن المشهدی

---

<sup>۱</sup> امام شناسی، ج ۱۶ و ۱۷، ص ۶۱۹، تعلیقه.

که در کتاب «مزار کبیر» خود آورده است نقل می کنیم: سلیمان أعمش گوید که: در کوفه منزل داشتم و مرا در آنجا همسایه ای بود که طریق اهل بیت نداشت؛ من بعضی از اوقات با او می نشستم و مذاکره می نمودم. در شب جمعه ای به او گفتم: تو چه می گوئی در زیارت حسین علیه السّلام؟ گفت: بدعت است و هر بدعت ضلالت است. و هر ضلالت در آتش است!

من با نهایت خشم از نزد او برخاستم و به منزل آمدم، و با خود گفتم: چون سحر شود به نزد او می روم و از فضایل مولا أميرالمؤمنين آنقدر برای او نقل می کنم که از شدت حزن و غصّه چشمانش گرم شود. سحر به منزل او رفتم و در زدم، صدا از پشت در آمد که در منزل نیست و به زیارت حسین به کربلا رفته است. تعجب نمودم و به شتاب به سمت کربلا حرکت کردم. آن شیخ را دیدم که سر به سجده گذارده، و از رکوع و سجود خستگی نداشت. بدو گفتم: تو می گفتی که زیارت حسین بدعت است و هر بدعت ضلالت و هر ضلالت در آتش است! چه

شد که خود به زیارت آمدی؟!!

گفت: ای مرد! مرا ملامت مکن که من از حقانیت اهل بیت خبری نداشتم. دوش که به خواب رفتم مردی را در خواب دیدم که نه بلند بود نه کوتاه، و از نهایت حسن و بهاء نمی توانم توصیف کنم. او راه می رفت و اطراف او را هاله وار جماعتی احاطه کرده بودند. و جلوی این جماعت مردی بر اسبی سوار بود که دم اسب او چند بافت داشت، و این مرد تاجی بر سرش بود که چهار گوشه داشت، و بر هر گوشه جواهری رخشان بود که در ظلمات شب هر کدام مسافت سه روز راه را روشن می کرد.

پرسیدم: آن مرد که دور او را گرفته اند کیست؟  
گفتند: محمد بن عبدالله خاتم النبیین است.

پرسیدم که این سوار که در جلو می رود کیست؟  
گفتند: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب است.

آنگاه بر آسمان نظر افکندم دیدم ناچه ای از نور، و بر آن هودجی است و در هوا حرکت می کند.

گفتم: این از آن کیست؟ گفتند: از آن خدیجه بنت خویلد و فاطمه زهراء.



گفتم: آن جوان کیست؟ گفتند: حضرت حسن مجتبی.

گفتم: این جماعت و این هودج همگی به کجا می‌روند؟ گفتند که شب جمعه است و همگی به زیارت کشته شده به تیغ ستم، سید الشهداء حسین بن علی به کربلا می‌روند.

آنگاه متوجه هودج شدم، دیدم رقعۀ هائی از آن به زمین می‌ریزد و بر روی هر یک از آنها نوشته است: **أَمَانٌ مِنَ النَّارِ لِرُؤَاةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ**؛ [امان از جانب پروردگار است برای زائرین

حسین علیه السلام در شب جمعه از آتش دوزخ] آن وقت هاتفی ندا کرد ما را که: آگاه باشید که ما و شیعیان ما در درجه عالیۀ ای در بهشت قرار خواهیم داشت! ای سلیمان! من از این مکان مفارقت نمی‌کنم تا روح از بدنم مفارقت کند.

مرحوم شیخ نوری گوید که: مرحوم طریحی آخر این خبر را چنین نقل کرده است که آن شیخ گفت: ناگاه دیدم رقعۀ هائی از بالا به زمین می‌ریزد. سؤال کردم که چیست؟ گفتند که: این رقعۀ های

امان است برای زوَّار حسین علیه السَّلام در شب  
جمعه. من یکی از آنها برای خود طلب کردم. گفتند:  
این رقعہ‌ها حقّ تو نیست! تو می‌گویی زیارت  
حسین بدعت است! هرگز از این رقعہ‌ها نخواهی  
یافت تا آنکہ زیارت کنی حسین علیه السَّلام را و  
اعتقاد کنی به فضل و شرافت او!

پس من از خواب بیدار شدم و هراسان بودم، و  
در همان ساعت قصد زیارت سید خودم حسین علیه  
السَّلام را نمودم.